

عنوان

گلچینی از اشعار شعری نامی ایران

تدوین:

نبی رحیمی

طاق بستان ۱۳۹۳



اثرات طاقستان

سرشناسه: رحیمی، نبی، ۱۳۱۳ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: گلچینی از اشعار شعرای نامی ایران/ تدوین نبی رحیمی
مشخصات نشر: کرمانشاه: طاقستان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۲۱۱ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۰-۳۱۶-۱۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی — مجموعه‌ها
رده بندی کنگره: PIR ۱۳۹۳۴۰۳۲/۳۲
رده بندی دیویی: ۰۰۸/۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۳۰۹۵۲

* عنوان: گلچینی از اشعار شعرای نامی ایران

* تدوین: نبی رحیمی

* ناشر: طاقستان

* حروف‌نگار: فیروزه استوان

* نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳ - کرمانشاه

* شمارگان: ۱۰۰۰

* قطع: رقعی ۲۱۱ ص

* شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۰-۳۱۶-۱۰۰۰۰

* قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

کرمانشاه: خیابان آیت اله کاشانی (دبیراعظم) روبروی هتل بیستون

تلفن: ۰۸۳۳۷۲۹۱۷۳۲ فاکس: ۳۷۲۷۱۶۴۳

Email: Taghbostan-book@yahoo.com

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	ح
مقدمه.....	م
فردوسی.....	۱
مولانا.....	۶
شرح حال حافظ شیرازی.....	۴۵
سعدی.....	۵۲
خیام نیشابوری.....	۷۲
عطار نیشابوری.....	۷۵
بابا طاهر عریان.....	۱۳۳
مسعود سعد سلمان.....	۱۳۸
نظامی گنجوی.....	۱۴۰
سنایی.....	۱۴۲
خاقانی.....	۱۴۴
فخرالدین عراقی.....	۱۴۵
بدر جاجرمی.....	۱۴۶

- ۱۴۷..... خواجهوی کرمانی
- ۱۴۸..... شمس تبریزی
- ۱۵۰..... عبید زاکانی
- ۱۵۶..... عبدالرحمان جامی
- ۱۵۷..... شیخ بهایی
- ۱۵۸..... وحشی بافقی
- ۱۶۰..... صائب تبریزی
- ۱۶۱..... حزین لاهیجی
- ۱۶۲..... ملک الشعرای بهار
- ۱۶۴..... میرزاده عشقی
- ۱۶۵..... علی اسفندیاری
- ۱۶۶..... پروین اعتصامی
- ۱۶۷..... شهریار
- ۱۶۸..... رهی معیری
- ۱۷۰..... دکتر پرویز خانلری
- ۱۷۲..... عماد خراسانی
- ۱۷۴..... فرخی یزدی

۱۷۵.....	عارف قزوینی
۱۷۷.....	ایرج میرزا
۱۷۸.....	سیاوش کسرایی
۱۷۹.....	احمد شاملو
۱۸۰.....	فریدون مشیری
۱۸۱.....	ابتهاج
۱۸۲.....	اخوان ثالث
۱۸۳.....	سهراب سپهری
۱۸۵.....	فروغ فرخزاد
۱۸۷.....	ناصر خسرو قبادیانی
۱۸۸.....	رودکی
۱۹۰.....	حکایت الصبیان
۱۹۱.....	دکتر باستانی پاریزی
۱۹۲.....	اشعار ۱۷ شاعر قبل و بعد از ساسانیان
۱۹۷.....	منابع و مأخذ

بنام خداوند جان و خرد

پیشگفتار:

خواننده‌ی ارجمند در این کتاب ضمن بیان گلچینی از آثار مختلف شاعران بزرگ ایران، گزیده‌ای نیز از خدمات و فداکاری‌های ایل بیگوند کلیایی را که در گذشته برای حفظ این آب و خاک و ایران عزیز از مال و جان دریغ نکرده‌اند، به عرض شما عزیزان می‌رسد. به استناد متون تاریخ و نوشتارهای متعدد منجمله: محمدتقی سپهر، کیتی‌گشا، ناسخ‌التواریخ، صاحب تحفه ناصری، کلبعلی‌خان زنگنه، دکتر عزیزاله بیات، دکتر بهمن کریمی، ابن‌عبدالکریم علیرضا شیرازی، رضاقلی‌خان هدایت، سیدمحمد سعید غیرت، یمین‌الدوله، سالارالدوله و اردشیر کشاورز، طوایف و ایلات کرمانشاه محمدهلی سلطانی، کیومرث موئیدی یا سنت لونی رابینو نویسنده و محقق انگلیسی و مصاحبه محمدرحیم همتی بیگوند و ایرج هندسی و دکتر هوشنگ یاسمی گوران که قبل و بعد از سده‌ی نوزدهم میلادی نام امرا و طوایف پانزده گانه‌ی کرد ایل بیگوند کلیایی را عنوان کرده و ذکر نموده‌اند که این طوایف در شمال و شمال غربی جزیی از ایلات بزرگ بوده‌اند که با آغاز توسعه‌طلبی -سلطان سلیم اول (۹۲۶ هـ.ق) و سلطان مراد چهارم (۹۱۸ هـ.ق)- سلاطین عثمانی هرچند در نظر آنها جزو خاک عثمانی خوانده می‌شد؛ اما آن مناطق در قدرت مرکزی ایران به آغوش وطن بازگشت. با ظهور شاه اسماعیل که دست به دگرگونی در جامعه سیاسی و مذهبی ایران زد، سلطان عثمانی در جنگ «چالدران» تبریز را که مرکز دولت صفویه بود اشغال کرده و سپس بایبورد و... را ضمیمه‌ی قلمرو خود نمود و امرای کرد را در طول شرقی مرز تحت فرمان خود درآورده و ضربه‌ی مهمی به فرماندهان صفویه وارد کرد و چهل هزار نفر از

طرفداران شاه اسماعیل را کشت و با نفوذ علمای عثمانی در مناطق شمال و شمال غربی ایران عملکرد حوزه‌های قدرتمند علوم دینی‌ی شافعی کردستان کنونی را نیز در دست گرفت.

گروهی از اهالی این قسمت از سرزمین پهناور و تعدادی از ایلات کردنشین پذیرفتند، بنابراین تمامی مسیر و مقصد کوچ ایل بیگوند و گوران برای همیشه از اطراف شمال و شمال غربی و محدوده‌ی زیستی خود سد گردیده، سپس توجه ایل بیگوند و گوران به جانب جنوب کرمانشاهان و منطقه‌ی کلیایی معطوف شد که ایل زنگنه در این زمان به حمایت از نهضت نوپای شاه اسماعیل آغاز کوچی فراگیر را به منطقه‌ی کرمانشاهان بنیان نهاده بودند.

ضمناً مسیر قسمتی از ایل بیگوند و گوران تا منطقه‌ی ذهاب از همین مسیر جنوبی می‌گذشت که اشتراک عقیده در مسأله‌ی پیوستن به شاه اسماعیل با ایل زنگنه به آن انسجام بیشتری بخشید و از این هنگام حرکت‌های تاریخی ایل بیگوند و گوران در مناطق مختلف ایران مرکزی، فارس، خراسان و افغانستان برای دفاع از استقلال و حفظ تمامیت اراضی ایران آغاز گردید و بر دوش اسبهایشان با سپاه قزلباش شمشیر زدند، کشتند و کشته شدند تا متجاوزان را از خاک ایران بیرون راندند و آرمانی جز سربلندی وطن و سرکوبی دشمن نداشتند. به پاس این خدمات در مقابل آنچه که در زیستگاه شمال و شمال غربی ایران از دست داده بودند، منطقه‌ی کلیایی و اسداباد کنونی که در آن زمان جزء کرمانشاه و دینور بود تا سربل ذهاب در این مسیر به عنوان زیستگاه و محل اسکان طوایف بیگوند و گوران در نظر گرفته شد که جمعاً چهار الی پنج هزار خانوار بودند که یک هزار روستا نیز در این محدوده داشته‌اند. ایل بیگوند و گوران رشید یاسمی از یک ریشه و منشعب از یکدیگر هستند. در تمام این مدت یعنی از آغاز صفویه، امرای بیگوند و گوران جزو سران محلی بودند که در دوره‌ی افشاریه و زندیه ریاست به بزرگان آنها محول گردیده که تا سال ۱۳۴۰ هـ.ش همچنان ادامه داشته است. کشاورزی، باغداری و دامداری شغل مورد علاقه آنها بوده، در کل این طوایف مال‌اندوز نبوده

و برای اداره‌ی امورات ایلی و رتق و فتق امورات کشاورزی هزینه‌های زیادی متحمل می‌شدند. در نتیجه اندوخته‌ای نداشته و تا حدودی هم به بازارهای شهری مقروض بودند چرا که علاقه‌ی زیادی به کشاورزی داشتند و تولید محصولات کشاورزی را خدمت به جامعه دانسته بر جمع‌آوری ثروت و رفاه و آسایش در زندگی ترجیح دادند.

برای بنده لازم به ذکر است که بیان کنم فرزندان و تمامی انسان‌های موفق این کشور مدیون تعلیم و تربیت پدر و مادرهایی هستند که در طول زمان فرزندان‌شان را با حکایات زیبا و شیرین آشنا و راه و رسم زندگی درست را در قالب اشعار و حکایاتی که از بزرگان ادب پارسی بر جای مانده‌اند گوشزد می‌کنند. از میان ملل قدیم جهان کمتر ملتی مانند ایرانیان وجود دارد که دارای سابقه ادبی و آثار زیبا و گویا با لهجه‌ها و زبان‌های مختلف و شیرین محلی و بومی باشند - گفتارهای پدر و مادر در سنین کودکی و نوجوانی مرا راهی سرزمین پر رمز و راز شاعران نمود، مشوقین اصلی من در این مسیر همسر و فرزندان دلبندم بودند که در تمامی مراحل زندگی آرامش روحی و فکری را برایم فراهم و در انجام کلیه امور زندگی با بنده همکاری نموده و مرا هدایت کردند - ضلع دیگر چنین همکاری را دوستان گرمی‌ام تشکیل می‌دهند که با پشتیبانی این عزیزان نیز در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ موفق شدم دو کتاب منون دیگر به نام گفتار حکیمانه بزرگان و پیشتازان علم و اختراع را راهی جامعه فرهنگی نمایم. آگاهی از این حکایات کهن می‌تواند باعث لذت بردن بیشتر از آثاری باشد که مطالعه می‌کنیم. بنده تلاش نمودم با همکاری دیگر عزیزان شما را با این اشعار هرچند مختصر و اجمالی آشناتر کنم و در کنار هم از افکار و کلمات شیرین این ادبیات لذت بیشتری برده و آگاهانه‌تر زندگی کنیم - بیایید قدر این سرمایه‌های ادبی را نه در سخن که در عمل بدانیم - با تجربیات آنها از امروزمان بهره ببریم و خوشی‌ها و زیبایی‌های امروز را فدای فردا و فرداهای نیامده نکنیم و گرنه بی‌شک متضرر و زیان‌کار خواهیم بود، از آنچه داریم نهایت تنعم را ببریم و لحظه‌ها را دریابیم که چشم فردا

کور است اما امید بدان می‌بندم که انبوه ایرانیان به گذشته پیشینیان ارجمند خود آنچنان که شایسته و در خور است بنگرند و به گزارش کار نیاکان خویش بپردازند. که خواننده را با پژوهش‌های پسین آشنا سازیم پادشاهی هخامنشیان دو دوره را دربر می‌گیرد نخست هنگام کورش و کمبوجیه و دیگر داریوش و فرزندان که در شاهنامه با نام داراب آمده است که کوچ آنان از آذربایجان و پایتخت مادیکان - مادی‌ها آغاز می‌شود و از کناره رود گاماسیاب به پارس می‌انجامد، کندن کانال از دریای سرخ و به سمت رود نیل و دریای مدیترانه و دیگر کانال‌ها که در یونان کنده شده و برای آگاه شدن از کار کارگران کشورهای زیر فرمان هخامنشیان بوده که نیک است که به سنگ نوشته‌های داریوش در تخت جمشید و شوش نگریم و به پرستش خداوند و انسان دوستی و آزادخواهی کوروش در گنج‌نامه همدان بنگریم و نیز اکنون بجا است که نگاره‌های دیوارهای تخت جمشید را که داستان آوردن پیشکشی‌ها از سرتاسر آن مرز بزرگ که در شاهنامه فردوسی می‌فرماید ببینیم:

فرستاده آمد ز هر کشوری ز هر نامداری و هر مهتری
 ز هند و ز فنفور و خاقان و چین ز روم و ز هر کشوری همچنین
 همه پاک با هدیه و باژ ساو نه پی بود و با او کسی را نه تاو
 یکی آتشی افروخت از تیغ کوه پرستین آخر آمد گـروه
 ز هر پیشه‌ای کارگر خواستند همه شهر از ایشان بیاراستند
 ز پستی برآمد به کوهی رسید یکی بیکران زرف دریا بدید
 به فرمود کز هند و رومیان بیارند کار آرموده روان
 گشایند از این آب دریا دری رسانند رودی به هر کشوری
 چو بگشاد از آن آب داننده بند یکی شهر فرمود پس سودمند
 چو دیوار شهر اندر آورد گرد و را نام کردند دارابگرد

ایرانی‌ها ملتی بزرگ و با فرهنگ و باایمان و خداپرست و انسان‌دوست بوده‌اند. در اثر حملات ناجوانمردانه و نابخردانه بیگانگان خونخوار و ضد بشر که بذر نفاق و تفرقه را در این مملکت پاشیدند، امید است با همت آیندگان و نگرش به تاریخ اصلیت خویش را به دست آوریم. به فرموده مولانا:

هر که دور گردد از اصل خویش روزگاری باز جوید وصل خویش

گرامی باد روان پاک کوروش کبیر و شعرا و دانشمندان علم و اختراع و نیاکان ما ایرانیان.

«نبی رحیمی»

مقدمه



با ادای احترام به شعرا و ادیبان ایران زمین که دارای سابقه‌ای بس طولانی در کاوش مسائل علمی و زنده نگه داشتن تاریخ روح‌بخش و همه‌اندیشه‌های ناب ایرانی داشته‌اند بستاییم.

بعد از گذشت چندین قرن که از حملات و تاخت و تاز بیگانگان بر خاک سرزمین عزیزمان ایران که خود منجر به نابودی تمدن و فرهنگ کهن ایرانی

شد، می‌گذرد. با دانستن این پیشینه و تاریخچه‌ها با دید دیگری می‌توان به سرمایه‌های بزرگان ادب و فرهنگ نگریست که از سالهای دور و دراز و در اثر تلاش هموعان سخت کوشمان به ما رسیده و بایستی قدر و ارزش آنها و این نعمات عظیم فرهنگی را بدانیم. اکنون وقت آن شده که با همراهی سرزمین‌های پر رمز و راز مهر و راستی و عشق‌های بی‌غل و غش شاعرانه شویم. شاید به برکت قول و غزل‌های رندانه آنها ساز و نوایی بز نیم و گذشته‌هایی از کاخ مشترک زبان فارسی را نظاره کنیم، چرا که به همت والای شاعران و بزرگان ادب پارسی، این کاخ سالیان سال از گزند باد و باران در امان مانده است. با هم گلهایی از گلستان سعدی چیده و در شهر پر کرشمه‌ی مولانا قدمی بز نیم و بر بال خیال غزل‌های عاشقانه‌ی حافظ راهی دل‌هایی شویم که مشام جانشان از اسرار گلزار صحافی ادب پارسی تهی است. به هر تقدیر جاوید ماندن آثار این بزرگان در حیطه‌ی تلاش‌های مردم فرهنگ‌دوست می‌باشد. ما باید قدرشناس این دانشمندان و ادیبان و انسان‌دوستان و وطن‌پرستانی باشیم که سرچشمه‌ی عدالت‌ها بوده‌اند و همچنین با کمک این بزرگان علم و هنر که زندگی را به مردم آموخته و مشکلات گذشته را از سر راه برداشته‌اند به علوم مختلف دست پیدا کرده‌ایم. تمدن بشری

مدیون این نوع بزرگان و مورخان و نویسندگان و روزنامه‌نگاران است که جمع‌آوری حقایق تاریخی را به جمع‌آوری ثروت ترجیح داده‌اند. به فرموده حافظ:

به صدق کوش که خورشید زاییده از نفست که از دروغ سپه‌روی گشت صبح نخست
ندانست خود جز بد آموختن جز از غارت و کشتن و سوختن

متأسفانه اوراق تاریخ مملو از کارهای ویرانگر و بی‌ضابطه‌ی حاکمان و امیران ستمگر است. ما ذکر حکایت این ستمگران را نه تنها درست نمی‌دانیم بلکه سعی کرده‌ایم نام آنها را با ذکر وقایع تاریخی رسوا نماییم. شاعران و چاپلوسانی که ظلم‌پیشگان تاریخ را ستایش کرده‌اند نیز در این مجموعه رسوا شده‌اند و با لعنت ابدی جهانیان و نفرت عدالت‌جویان و آزادی‌خواهان مواجه هستند. به قول صائب تبریزی:

آن چنان گرم است بازار مکافات عمل چشم‌بینا گر بود هر روز روز محشر است

با اخذ یک فقره تور عرفانی وارد شهرهای شاعرانی شویم که فقط نامی از آنها در اذهان باقی مانده است. نام مولانا آشنا و اشعارش گمانمند و نوشته‌هایشان کمتر مورد عنایت قرار گرفته‌اند. با خواندن چند سطر از اشعار انتخابی، باشد که هریک از خوانندگان عزیز، دل به نوشته و دیوان اشعار یکی از این بزرگ مردان فرهنگ و هنر فارسی داده و مرغ جانشان را به آسایش برسانند.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از همکاری صمیمانه‌ی جناب آقای محمود لعل‌آبادی مدیر انتشارات طاق‌بستان و سرکار خانم فیروزه استوان و همچنین سرکار خانم نظری که در تایپ و صفحه‌پردازی و همچنین طراحی جلد نهایت دقت عمل را از خود نشان داده‌اند تشکر و سپاسگزاری نمایم.

به هستی بخش پاکی و مهر و محبت

نبی رحیمی